

آینه

ایران

سرمقاله: «صدای مردم کدام است؟»حسین وزینی
نشنیدن صدای مردم دو وجه و به تبع آن دو پیامد دارد، به این معنا که آیا آنها خود را در قبال مطالبات مردم به بی تفاوتی رده‌اند یا اینکه تفسیر خاصی از رای مردم و مطالبه آنها دارند و معتقد به پیگیری آن هستند؟ در پاسخ باید گفت مرور همین مدت کوتاه چهارماهه نشان می‌دهد، این طیف بی‌تفاوت نبوده است. در همین مدت کوتاه اگر به رسانه‌ها و تریبون‌های آنها که متأسفانه بیش از همه در صاوسیمای خوندنمای می‌کند، مروری شود، در منطق اینها، دولتی که حوزه اقتصادی را از زلزله‌های ناگهانی و رانت‌خواری‌های بی‌سابقه و ابر فسادهای مالی رهانیده نه‌تنها شایسته حمایت نیست، بلکه هر روز گوشه‌ای از آوار برج‌مانده از ویرانه اقتصادی را کُتر می‌زند و به مردم نشان می‌دهند و دولت را مسئول آن قلمداد می‌کنند
با اگر تعقل و تدبیر در سیاست‌ورزی نیازمند آرامش در کشور و پرهیز از گشودن کیسه‌های کینه و نفرت باشد، اما اینها در تریبون‌های خود نفرت‌افکنی گروهی از جامعه بر گروهی دیگر را با قدرت تمام ادامه می‌دهند و حتی تشدید می‌کنند.در این تریبون‌ها فقط یک صدا وجود دارد؛ صدایی که مردم به آن «نه» گفتند.

کینان

سرمقاله: «این لاشه بو گر فته‌ا»

فتنه پیچیده ۱۳۸۸، قرار بود ایران را فلج کند. آن گونه که بعدها صاحبزنان امنیتی در غرب فاش کردند لاپراتوارهای جاسوسی نظیر سازمان سپاه امای سیکس و موساد ۱۰ یا ۲۰سال برای تدارک فرمول جدید ضربه و حمله به جمهوری اسلامی وقت گذاشته بودند تا بتوانند از داخل به قلب حاکمیت بزنند و آن را فلج کنند... روز نهم دی- سه‌روز پس از ماجرای پرخه عاشری سال- معلوم شد ملت ایران عفونت را پس‌زده و به شکلی غیرمرتضیه به‌جای فلج‌شدن، واکنشیده شد...
آیا عجیب نبود که آشوبگران میدانی خواستار حذف شعار مرگ بر آمریکا در روزهای ۱۳۸۲و ۱۶آذر ۸۸ شدند و به تعبیر حضرت امام‌برای‌منسی‌کردن و بهفراموشی‌بردن این شعار، شعار مرگ بر روسیه سر دادند و یکی دوسال بعد، یکی از سران فتنه دست‌به انتخاب زد و با جعل برخی دروغ‌های شاسخدار اعلام کرد نامه‌ای سسری در این‌باره به امام نوشته و امام هم موافق حذف شعار مرگ بر آمریکا بوده است؟!
آیا فرزند همین چهره سیاسی آن‌گونه که برخی روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب فراری اذعان کرده‌اند در خارج کشور دنبال داغ کردن آتش تحریم‌های فلج‌کننده علیه ملت ایران- پس از شکست فتنه سبز در قیام الهی نهم دی ۸۸- برای انتقام از ملت ایران نبوده سراخ محافل آمریکایی ستاندنر کار تحریم‌ها را نگرفته است؟ ... این نوشته ناتمام می‌ماند اگر به نقش مخلصانه و حکیمانه ولی امر مسلمین در مهار هجوم سنگین جبهه استکبار اشاره نشود.



تیتربک: «سیاهای از رفتار سیاسی‌های که می‌گویند سوءتفاهم بود»

شاید برای همه مایی که در جغرافیای جمهوری اسلامی نفس می‌کشیم، راحت‌تر این باشد که سرمان را زیر برف کنیم و به خود بقبولانیم آنچه در سال ۸۸ گذشت، سوءتفاهمی بیش نبوده؛ نه دردسری دارد، نه اقدام ویزه‌ای می‌طلبد؛ همه هم دور هم می‌توانیم در سایه تدبیر و امید و اعتدال خوش بگذرانیم! اما آیا باور ما از پس دغدغه‌مان برای دنیای راحت خویش، مساله را تغییر می‌دهد؟! و مهم‌تر اینکه چقدر قلاهوت و سادس‌لوحی باید به خاطرات تلخ‌هشتادوهشتی‌مان تزریق کنیم که سوءتفاهم‌بودن‌شان بر باورمان بنشیند؟!
انتخابات ۲۲خرداد ۸۸ هنوز تمام‌نشده بود که موسوی خود را رئیس‌جمهور نامید و این سوءتفاهم نبود. حال روشن‌تر می‌توان دریافت که چرا اقدام جمهوری اسلامی در حصر کسانی که محاکمه‌شان به احتمال زیاد به حکم اعدام منجر می‌شود، اوج افت و افغاض نظام در حق مجرمان است؛ اقدامی که صرفاً یک اقدام تأییدی موقت برای حفظ امنیت مردم از دست مجرمان است و به هیچ رو مجازات تلقی نمی‌شود...

جمهوری اسلامی

وزیر احمدی‌نژاد، امکانات وزارت را تحویل نمی‌دهد
یکی از وزرای دولت احمدی‌نژاد پس از اتمام چند وزارتخانه و گذشت سه‌سال از پایان مسوولیتش در کابینه دهم، همچنان از امکانات وزارتخانه منحل‌شده از جمله یک دستگاه پرشیا و یک دستگاه زانتیا به‌منظور شخصی استفاده می‌کند. این فرد نفتکش است از پایان مسوولیتش امکانات مذکور را به وزارتخانه تازه‌تأسیس دولت قبل تحویل نداد بلکه در دولت جدید هم از این امکانات استفاده می‌کند و از قرار معلوم، حاضر به تحویل آنها نیست.

انتخاب

یادداشت: «مدارا جایگزین سوءتفاهم»؛ محمدعلی سبحانی

انفجار ائومبیل بمب‌گذاری‌شده در منطقه مسکونی وسط بیروت نشان می‌دهد کسانی که در پشت این انفجارها هستند علاوه بر انتقام‌گیری نیمه‌نگاهی نیز به افزایش درگیری مذهبی، طایفه‌ای دارند...
انتخابات ۲۴خرداد و روی کارآمدن دولت اعتدال و امید، فرصتی است که دولت ایران با اصلاح سیاست‌های هشت سال گذشته خود در منطقه و با فعال کردن دیپلماسی و حضور اثرگذار در مسایل منطقه خصوصاً در سوریه و لبنان همراه با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی ایفای نقش کرده و برای مشارکت در روندی که مایع از رشد افراط‌گرایان در منطقه شود، اعلام آمادگی کند.

به‌دنبال انتشار مصاحبه‌ای با سیدمحمد خاتمی در رسانه‌ها درخصوص تصویب طرح حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی با موضوع «جهان عاری از خشونت و مبارزه با افراط‌گر»ی، روابط عمومی دفتر رئیس‌جمهور اسبق کشورمان توضیحاتی منتشر کرد...
به گزارش روابط عمومی دفتر حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی، در خبری که روزنامه‌های محترم اعتماد (صفحه ۱۱) و شرق (صفحه ۶) مورخه شنبه هفتم دی ۹۲ و به نقل از خبرگزاری محترم ایسنا (با کد خبر ۹۲۱۰۰۶۰۲۹۰۷) مورخه ششم دی ۹۲ به نقل

از جناب آقای سیدمحمد خاتمی درج شده است دو نقیصه و ایراد وجود دارد که لازم است حسب توضیح جناب آقای خاتمی اصلاح و به آنها توجه شود:

۱- وقتی مساله گفت‌وگوی تمدن‌ها در سازمان‌ملل تصویب شد، جناب آقای کوفی‌عنان، آقای پیکو را به‌عنوان معاون خود برای پیگیری طرح معرفی کرد و پنج‌سال هم زمان معین کرد و بعد از پنج‌سال دیگر این موضوع تمدید شد که پیگیری امر صورت گیرد.

۲- تعیین ۱۸نفر برای طرح ائتلاف تمدن‌ها بود که از سوی آقایان زاپاتر، (نخست‌وزیر اسپانیا) و

بهرحال انتشار مصاحبه‌ای با سیدمحمد خاتمی در رسانه‌ها درخصوص تصویب طرح حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی با موضوع «جهان عاری از خشونت و مبارزه با افراط‌گر»ی، روابط عمومی دفتر رئیس‌جمهور اسبق کشورمان توضیحاتی منتشر کرد...
به گزارش روابط عمومی دفتر حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی، در خبری که روزنامه‌های محترم اعتماد (صفحه ۱۱) و شرق (صفحه ۶) مورخه شنبه هفتم دی ۹۲ و به نقل از خبرگزاری محترم ایسنا (با کد خبر ۹۲۱۰۰۶۰۲۹۰۷) مورخه ششم دی ۹۲ به نقل

در وزارت‌خارجـه «حوزه کنسولی، حقوقی و پارلمانی» با هم در یک معاونت جمع شده است و حسن قشقاوی این معاونت را برعهده دارد، از دولت قبل تاکنون...او پیش از این، سفیر ایران در سوئد و مدتی هم سخنگوی وزارت‌خارجـه بوده، در جواب سوالات، مفصل توضیح می‌دهد و وقت مصاحبه تنها به یک حوزه از زیرمجموعه معاونتش می‌رسد...این معاونت برای رفع نگرانی شهروندان ایرانی که به خارج از ایران رفته‌اند، راهی برای استعمال از وضعیت حقوقی خود در داخل کشور اندیشیده است...ایرانیانی که به هر دلیلی از داشتن پرونده حقوقی در داخل کشور اعم از شاکی خصوصی یا مدعی‌العموم، نگران هستند، می‌توانند به آدرس ایمیلی که برای این کار اختصاص یافته ایمیل بفرستند و از وضعیت حقوقی خوداطلاع پیدا کنند...این اقدام در راستای اندیشیدن تمهیدات برای بازگشت کسانی است که به هر دلیلی مجبور به ترک میهن شده‌اند اما تمایل دارند به کشور بازگردند.

۴ سال‌های اخیر شاهد موج مهاجرتی بودیم...آیا وزارت‌خارجـه و معاونت شما آماری در این زمینه دارد؟ و اینکه آیا تغییر معنادر در اعداد داشته‌اید؟

ممکن است در مقطع یا در سالی، در یک فصل یا برای بعضی مناسبت‌ها،خروج از کشور داشته باشیم، اما نه الان و نه قبل‌تر، آن چیزی که در تبلیغات گفته می‌شود واقعیت ندارد. من از حوزه کنسولی حرف می‌زنم، از میزان مهاجرت آمار داریم. ملاک ما صدور مدارک سجلی با صدور گذرنامه است، مثلاً ازدواج ایرانیان، صدور شناسنامه فرزند، کارت ملی و گذرنامه، اینها مبنای حرف بخش کنسولی است. در سال‌های اخیر حصاً و حصاً روند مهاجرت از خارج به ایران بوده یعنی برعکس تبلیغاتی که انجام می‌شود. شاخص ما، رشد صدور گذرنامه است یا ثبت ازدواج یا صدور شناسنامه برای فرزندان. البته ما می‌دانیم که گرفتن گذرنامه لزوماً به معنی سفر به ایران نیست ولی می‌تواند یک شاخص نسبی خوب باشد. در طول ۱۵،۱۰سال اخیر، روند ورود هموطنان بیشتر از خروج بوده، منتها تأکید می‌کنم در همه این ۱۵،۱سال، اینطور نبوده، ممکن بود در یک مقطعی میزان مهاجرت بیشتر شود.

۴ چهار یا پنج‌سال گذشته چطور؟ جزو همین مقطع افزایش‌مهاجرت‌نبوده؟
نه اینطور نیست... مسأ باز علامت دیگری داریم برای اینکه شما بدانید روند ورود به کشور بیشتر از خروج است. آمار صدور بلیت در شرکت‌های هواپیمایی در ایام ژانویه و تابستان زیاد است. به طور قاطع به شما عرض می‌کنم بر اساس این آمار، در کنار آمار صدور شناسنامه و گذرنامه ورود هموطنان و ایرانیان به داخل روزافزون است. منتها این آمار می‌تواند در درجه اول، جنبه عاطفی داشته باشد؛ نسل اول و دوم، بستگان پیری در داخل دارند یا خدای‌ناکرده فوت‌شدن یا می‌خواهند آنها را ببینند. مهم این است که در مجموعه نظام برنامه‌ریزی داشته باشیم که این مسافرت‌های عاطفی، پایداری بیشتری داشته باشد. وجود این سفرها موجب می‌شود هموطنانی که در خارج هم هستند، هر کدام سفیر ایران باشند و منافع ملی ما را پیگیری کنند. ورود یا خروج نمی‌تواند ملاک قاطعی باشد، ما باید از تخصص و توانمندی‌های این عزیزان که همه عاقل‌فهم به سرزمین خود هستند، در جهت منافع ملی و توسعه کشور استفاده کنیم. ما اصرار نداریم که همه به داخل کشور برگردند. چون معقول هم نیست، چراکه یکسری ازدواج کرده‌اند و شغل دارند یا در حال تحصیل هستند. ممکن است منافع ملی ما در این باشد که آنها در خارج از کشور باشند اما مهم این است که ایرانی باشند و ایرانی فکر کنند و هر کجا که هستند منافع ملی را تعقیب کنند.

۴ شما می‌فرمایید روند مهاجرت افزایش پیدا نکرده، اما ما شاهد افزایش مهاجرت بعد از حوادث انتخابات
حتی در اوج کشمکش‌ها با ایران، ترکیه با رویکردانی از موضع حداکثر سخت‌گیرانه آمریکا نسبت به تهران، که سعی داشت حق ایران برای غنی‌سازی را به چالش بکشد، دوری می‌جست. به هر حال پذیرش مشروط و ضمنی چنین حقی از سوی آنکارا نتیجه رضایت‌بخشی برای این کشور است. با وجودی که امروز ترکیه هیچ برنامه‌ای برای توسعه توان غنی‌سازی بومی خود در حوزه صنایع هسته‌ای ندارد، اما دستور کار بلندپروازی‌های آتی این کشور برای توسعه توانمندی هسته‌ای سیاستمداران ترک را برای دفاع از حق شناخته‌شده غنی‌سازی اورانیوم در چارچوب ان‌بی‌تی مصمم می‌کند.ملاحظات اقتصادی برای ترکیه و بحث معادلات انرژی با ایران بسیار مهم است

سیاست

دفتر سیدمحمد خاتمی منتشر کرد

توضیح درباره تاریخچه «گفت‌وگو» و «ائتلاف تمدن‌ها»

اردوغان (نخست‌وزیر ترکیه) پیشنهاد شده بود و آقای کوفی‌عنان ۱۸نفر صاحبزطر را تعیین کرد و چندین نشست بین‌المللی و (آخرینش در نیویورک) داشتند و گزارش خود را به آقای دبیر کل سازمان‌ملل دادند و اساسنامه طرح ائتلاف تمدن‌ها بر آن اساس تنظیم و پیگیری شد و حالا هم این طرح دبیرخانه و دبیر دارد.
۳- در نهایت توصیه جناب آقای خاتمی به ریاست محترم جمهوری کشورمان با توجه‌به تصویب طرح‌شان در سازمان‌ملل این بوده است که «خوب است جناب آقای دکتر روحانی هم دستور دهند پیگیری طرحشان در سازمان‌ملل فعال شود»



معاون وزیر خارجه در گفت‌وگو با «شرق» از استعلام حقوقی مهاجران خبر داد

«ایمیل» مشکل‌گشا برای بازگشت به ایران

زینب اسماعیلی سیوری

بنده صدور گذرنامه را ملاک قرار می‌دهم.بجملدا... دارد جا می‌افتد که همیشه دقیق‌ترین آمار در این مسایل، آمار وزارت خارجه است. در سال‌های اخیر همواره همه آمار من می‌گویم که آنها بخشی‌های سیاسی جامعه ما بودند.

۴ به‌هر حال شهروند ایرانی بودند؟
مثلاً از مجموع پنج‌میلیون ایرانی خارج از کشور، ۵۰هزار یا ۱۰۰هزار نفر به‌دلیل سیاسی رفتند اما فعالان اقتصادی یا فرهنگی نبودند، البته من آمار رسمی و قاطعی در این زمینه ندارم.

۴ البته به این قاطعیت نمی‌توان گفت که همه فقط فعال سیاسی بودند...؟

از مجموع پنج‌میلیون ایرانی، این آمار ۵۰ یا ۱۰۰هزار نفر مگر چقدر زیاد است. من با شما نه بحث جناحی دارم نه بحث سیاسی. در عالم واقع می‌گویم، حتی اگر بپذیریم موج جریانات سیاسی بود، این تعداد نسبت به کلیت آمار ایرانیان در خارج از کشور، آمار بالایی نیست که از لحاظ آماری قابل اعتنا باشد. حالا ممکن است یکی بگوید که یک‌نفر هم نباید از کشور خارج شود این حرف دوم است و به تعبیر سیاسی ماجرا برمی‌گردد. از حوادث مربوط به انتخابات ۸۸ و راجعه ماهیت آن اعتراضات تحلیل‌های مختلفی آرایه می‌شود که من الان در موضعی نیستم که بخواهم در آن مورد صحبت کنم. ولی من عرض می‌کنم که همان هم اینگونه نبوده؛ اگر یک، دو، سه ماه اوج حوادث میزان مهاجرت افزایش یافته بود، تا آخر این‌طور نماند، یک عدم رفتند و ماندند، ۵۰ یا حداکثر ۱۰۰هزار نفر بودند، بیشتر از این هم نبودند، برخی بعد از چند ماه برگشتند. ما در حوزه کنسولی نگاه سیاسی نداریم، بلکه نگاه صنفی داریم. موضع ما این است که در ۱۵سال اخیر حتماً میزان ورود هموطنان به داخل کشور بیشتر از خروج است، روند بازگشت به کشور شتاب بسیاری پیدا کرده چون اقدامات خوبی انجام شده. در زمان آقای هادی، همتای اسبق من در دولت هشتم، ایشان خدمات کنسولی و گذرنامه‌ای خوبی آرایه کرد که اینجا لازم است از ایشان تشکر کنم. بر مبنای تصمیمات خوب این‌زمان، شاهد حضور گسترده‌ای از هموطنان به داخل کشور بودیم و این موج تا الان کم و بیش ادامه پیدا کرد.

۴ آمار شما در مورد بازگشت مهاجران، در ۱۵سال گذشته تاکنون است، آیا این میزان بازگشت از سال ۸۸ تا ۹۲ هم با روند قبلی ادامه داشته؟
در مورد بازگشت آن گروه از ایرانیان، ما همواره حرف قانونی می‌زنیم. در این زمینه می‌گویم هر هموطنی که در داخل یا خارج تحت تعقیب قضایی و دارای پرونده قضایی است باید در نوبت رسیدگی باشد در داخل یا خارج‌بودنش هیچ فرقی ندارد. غیر از مواردی که تحت تعقیب قضایی هستند و دارای پرونده قضایی هستند، بقیه همه آزادند که به سرزمین مادری رفت‌وآمد داشته باشند.

۴ این شرایط در مورد شاکی خصوصی یا مدعی‌العموم فرقی ندارد؟



شاکی خصوصی یا مدعی‌العموم فرقی ندارد. هر فردی که پرونده دارد، شامل تعقیب قضایی می‌شود. ما چیزی به‌عنوان ممنوع‌الورود در قانون کیفری نداریم، اما اگر فرد مجرم یا متهم عمل مجرمانه‌ای انجام داده باشد، معلوم است که وقتی نهادهای ذی‌ربط به او دسترسی پیدا کنند، مثل داخل کشور مورد تعقیب قضایی قرار می‌گیرد. قضایی که عمداً اپوزیسیون و مخصوصاً اپوزیسیون برانداز و رادیوهای بیگانه ایجاد می‌کنند، یک ترس غیرواقعی است. ممکن است فردی ۳۰سال خارج از کشور باشد ولی هیچ پرونده‌ای نداشته باشد و عمل مجرمانه‌ای انجام نداده باشد. این فرد مشکلی برای ورود به کشور ندارد. اگر کسی برای خروج از کشور واقعا نگرانی دارد می‌تواند از ما استعلام کند. ما از نهادهای ذی‌ربط استعلام می‌کنیم و آنها حرف درست را به ما می‌زنند. کسی به‌دنبال تله‌گذاری نیست. مسواری بوده که ما به درخواست‌کننده گفتیم، شما پرونده قضایی دارید، اگر به ایران بیایید دچار گرفتاری می‌شوید، اختیار با خودتان است که بیایید یا خیر. افسرد می‌توانند از بخش کنسولی سفراتخانه‌ها هم، استعلام کنند. البته بهتر است در مواردی که استعلام و اعلام می‌کنیم مشکلی ندارند، دیگر درنگ نکنند. ما به افرا دروغ نمی‌گوییم. چون اگر در یک مورد هم دروغ بگوییم اعتبار وزارت‌خارجـه زیر سؤال می‌رود. ایمیل معاونت کنسولی وزارت خارجه هم به این آدرس iranianaaffairs@mfa.gov.ir برای انجام این استعلام‌ها است. اگر از ما استعلام کنند، ما هم قانونی استعلام می‌کنیم. البته بر مبنای استحقاق‌های آقای روحانی کمیته‌ای هم برای دعوت از هموطنان در خارج از کشور تشکیل شده. این کمیته در هیات‌دولت به تصویب رسید و بناس‌ت که در وزارت اطلاعات تشکیل شود. من در کمیته سیاسی آن شرکت کردم، یادم می‌آید که آن را تصویب کردم و به وزارت اطلاعات ابلاغ شد.

۴ چه چیزی به وزارت اطلاعات ابلاغ شد؟
اینکه آن کمیسیون تشکیل شود. کمیته‌ای که ورود هموطنان را تسهیل کند و نگرانی‌های می‌مورد را رفع کند. **۴ شما امکان استعلام را گفتید، این کمیته غیر از این دیگر چه مصوبه‌ای داشته؟**
آن کمیسیون باید موضوع وضعیت هموطنانی که در خارج هستند یا آنها‌یی که پرونده‌هایی در زمان قدیم داشتند یا حتی بنا به دلایل سیاسی از ایران رقتند را بررسی کند و تصمیم بگیرد، همه ارگان‌ها هم باید نظر بدهند، اول باید کمیسیون تشکیل شود، اجازه بدهید پیش‌بینی نکنم. همه باید تلاش کنیم، روزنامه‌ها، جریانات سیاسی باید با یک‌اجام ملی کار کنند. بسیاری از نگرانی‌ها بی‌مورد است و محمل قانونی ندارد. این فضا را باید بشکنیم. این یک مساله ملی است. باید به یک اجماع برسیم و آن را حل کنیم. ۹۵درصد افرادی که به خارج از کشور رفته‌اند، هیچ مشکل حقوقی و قضایی برای ورود به کشور ندارند. وزیر اطلاعات هم قلباً مایل است که هموطنان به کشور ورود و خروج داشته باشند. به‌راحتی به سرزمین مادری خود رفت‌وآمد داشته باشند.

در راس نظام، مقام‌مظهر‌هبری هم در سخنان‌شان روی حقوق ایرانیان تأکید داشتند. اینها حرف‌های مهمی است. مقام‌مظهر‌هبری همواره تأکید فرمودند که ایرانیان خارج از کشور باید بیایند و بروند و با سرزمین مادری ارتباط داشته باشند بنابراین کسی در مجموعه نظام، با بازگشت این افراد مخالف نیست. خصوصاً با تأکید فراوان رئیس‌جمهوری محترم و دستورات راهگشای ایشان، هیچ بهانه‌ای برای اجتناب از سفر و دیدار با سرزمین مادری ایرانیان در سراسر جهان وجود ندارد.

ادامه از صفحه اول

انتقال با اصلاح پایتخت

شهرهایی که ظرف چنددهه قبل آلوده و پرتراфик بودند و امروزه با وجود افزایش جمعیت و خودرو، از هوایی پاک و ترفایکی روان برخوردارند. نمونه‌ساخت‌وساز در مرکز شهر را باید از برلین شرقی آموخت، با ریزش دیوار برلین بخش‌های فرسوده مورد توجه قرار گرفت و با ساخت‌وسازهای جدید جای از نوشدن شهر و ایجاد اشتغال، شهری تازه و نو مهبای زندگی شد، این پرسش مطرح است که جابه‌جایی پایتخت به چه منظور است؟ به امان خدا و!گزار کردن تهران و احداث شهری جدید با تکیه بر شهرسازی نوین، با مردم فعلی تهران و آلودگی هوا و ترفایک آن چه کنیم؟ پایتخت سیاسی را تغییر دهیم؟ وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی از تهران خارج شوند، چه جمعیتی به‌خاطر انتقال پایتخت سیاسی از تهران خارج خواهند شد؟ تهران فعلی می‌ماند و گرفتاری‌هایش که لابد باید به امان خدا رها شود! کدام نقطه ایران هم‌کنون قادر است فضای باز و زمین مورد نیاز احداث وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌هایی که باید انتقال پیدا کنند را معرفی کند؟ تأمین آب‌و‌زمین موردنیاز مکان جدید، در اولویت قرار دارد، ساخت‌وسازی که باید به جهت انتقال صورت بگیرد از فرودگاه گرفته تا ... در عوض اصلاح وضع موجود تهران چه هزینه‌ای دارد؟ با گسترش خطوط مترو تهران، ایجاد تراموا، تغییر بافت فرسوده و مهم‌تر آن تغییر ناوگان حمل‌ونقل شهری کم‌هزینه‌ترین روشی است که می‌تواند در کوتاهمدت تهران را به شهری قابل سکونت تبدیل و مانع هدر رفتن منابع مالی شود؛ منابع روایی و غیرقابل تحقیقی که می‌خواهند برای انتقال پایتخت هزینه کنند. کشورهایی که صورت‌مساله را پاک کردند و تن به تغییر پایتخت دادند مانند ترکیه، را نگاه کنید؛ آیا راضی به این جابه‌جایی هستند؟ ما که مکانی مناسب‌تر از تهران نداریم و مهم‌تر از آن میلیارد‌ده‌دلار پولی که باید صرف جابه‌جایی شود موجود نیست.

شیوه ویتنامی مذاکره با آمریکا

هوشی مین رهبر ویتنام‌شمالی مذاکره با آمریکاییان را با توجه به ملاحظات استراتژیک کشور کاملاً ضروری و حیاتی تشخیص داد. او به‌عنوان یک ملی‌گرا که کمونیسم را با توجه به سطح توسعه کشورش به‌عنوان یک شیوه مناسب تشخیص داده بود هیچ‌گونه مخالفت بنیادی با آمریکا نداشت. او خواهان خروج نیروهای آمریکایی از ویتنام‌جنوبی و یکپارچشدن کشورش بود که خواستی تاریخی محسوب می‌شد. از سال ۱۸۵۸ که نیروهای فرانسوی در ویتنام دخالت را شروع کردند، نبرد با نیروهای بیگانه و پاک‌کردن سرزمین از حضور آنان به یک عزم ملی تبدیل شد که در دوران رهبری کمونیست‌ها نیز تداوم یافت. پس از ۱۰سال جنگ و حضور نزدیک به ۵۰۰هزار سرباز سراجام رهبران آمریکا به درک این موضوع متفوق حاصل کردند که هوشی مین نه در چارچوب منافع چین و شوروی بلکه برای یکپارچگی کشورش می‌باشد که به جنگ با آمریکاییان در ویتنام روی آورده است. پس از اینکه آمریکاییان به این نکته ساد توجه کردند که بیشترین تعداد جنگ‌های مردم ویتنام در طول تاریخ با کشور چین بوده است، هنری کسنجر خبط دولتمردان سابق آمریکایی را با‌اضای قرارداد صلح پاریس جبران کرد. او متوجه شد که ویتنام مستقل، خطری برای آمریکا نخواهد بود بلکه در بلندمدت مغضلی برای چین خواهد شد. هوشی مین با درنظر گرفتن شرایط داخلی و جهانی متوجه بود که توسعه اقتصادی کشور و اقتدار نظامی منطقه‌ای ویتنام تنها در بستر دوستی و نزدیکی با آمریکا امکان پذیر است. با توجه به خصومت‌های تاریخی با بزرگ‌ترین و قدرتمندترین قدرت نظامی آسیا، یعنی چین برای رهبران ویتنام‌شمالی محضروند که ضرورتی انکارناپذیر برای ایجاد روابط دوستانه با آمریکا وجود دارد، تا هم ورود سرمایه و تکنولوژی غربی- آمریکایی میسر شود و هم اینکه سیر امنیتی ایجاد گردد. سراجام پس از مرگ ۵۸هزارروا۹ نفر آمریکایی و یکمیلیون وسه‌زارنفر ویتنامی در تاریخ ۲۹ آوریل سال ۱۹۷۵ به دستور جیمز شلزنبرگ، وزیر دفاع آمریکا تمایلی نداشت که دیپلماتیک نظامیان و غیرنظامیان آمریکایی به‌وسیله هلیکوپتر از روی بام سفارت کشور را ترک کردند. مذاکرات صلح ویتنام از یک‌سکو به تقویت جایگاه استراتژیک آمریکا در برابر شوروی در صحنه جهانی به‌شدت کمک کرد و از سویی دیگر فرصت را برای ویتنام‌شمالی به وجود آورد تا در بطن تقویت جایگاه منطقه‌ای، اهرهای اقتصادی را به‌کار آندارد. ویتنام‌شمالی به‌عنوان کشور توسعه‌یافته، آمریکا را به پای میز مذاکره کشاد چراکه الزامات داخلی و بین‌المللی برای تصمیم‌گیرندگان در وانشنگتن گزینه دیگری را ممکن نمی‌کرد. کشور خشم، تنها هنگامی باید پای میز مذاکره با آمریکاییان بنشیند که رهبران در کاخسفید کنگره ضرورت اقتصادی برای مذاکره‌کردن را احساس کنند. آمریکاییان فرانسفسه مخالفتی با مصالح‌ده‌کردن با هیچ‌فرد و کشوری ندارند به‌طاولر که دونالد رامسفلد با صدام‌حسین در بغداد به گفت‌وگو نشست و جان کری به‌عنوان عضو ارشد سنای آمریکا با بشار اسد در دمشق به رایزنی پرداخت. اما تنها آن نوعی از مذاکره را کشور خضم آمریکا باید گردن نهد که آمریکاییان آن را در قالب یک اقدام استراتژیک برای خود تعریف و توجیه کرده باشند. آمریکاییان پای به مذاکرات پاریس گذاشتند چراکه نیاز استراتژیک حفظ چین و سندنفوذ شوروی در سطح جهانی و الزام به پاسخگویی در داخل، جهت‌گیری‌های نیروهای اجتماعی، دغدغه‌های انتخاباتی و خشمشی‌های کنگره، ضرورت مذاکره با ویتنام‌شمالی را به یک اصل تبدیل کرده بود. هر زمان معادلات داخلی و بین‌المللی آمریکاییان را متوجه ضرورت تغییر اهداف (نه فقط تغییر شیوه) در رابطه با کشور خضم کند باید انتظار مذاکرات پربار و تعیین‌کننده‌ای را داشت. کشور خضم تنها هنگامی باید پای میز مذاکره با آمریکاییان بنشیند که رهبران وانشنگتن و کنگره تعاملات سازنده با کشور خضم را تنها راه حفظ جایگاه جهانی کشور خود و متعادل‌کردن نیروهای داخلی ببینند.